
شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح تحمل اجتماعی در شهر سراب

دکتر حبیب‌الله آقابخش^{*} دکتر فریدون کامران^{**}، مجید نصیرپورسردهایی^{***}

چکیده

هدف این پژوهش شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح تحمل اجتماعی در شهر سراب در سال 1388 است. جامعه آماری در این پژوهش شامل 43000 نفر بوده و از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران نمونه مورد مطالعه 381 نفر محاسبه شده است. در پژوهش حاضر از روش تحقیق پیمایش استفاده شده و داده‌های مورد نظر از روش کتابخانه‌ای و میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. پاسخگویان مورد نظر با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب و برای آزمون روایی پرسشنامه از روش اعتبار محتوای صوری استفاده شده است. یافته‌های پژوهش با استفاده از جداول توصیفی و آزمون‌های آماری در نرم‌افزار SPSS محاسبه شده است. متغیر مستقل در این تحقیق، عوامل اجتماعی است که شامل: 1. سطح ناهمگونی اجتماعی، 2. سطح سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، شبکه روابط شخصی، میزان تنوع یا ناهمگونی عضویت)، 3. سطح گسترش رسانه‌های جمعی، 4. سطح جزم‌گرایی و 5. سطح فردگرایی است. متغیر مستقل زمینه‌ای شامل: 1. وضعیت شغلی، 2. میزان درآمد ماهیانه، 3. میزان تحصیلات، 4. سن، 5. جنسیت، 6. وضعیت تأهل و متغیر وابسته، سطح تحمل اجتماعی است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات تفاوتی و رابطه‌ای میان متغیرهای یاد شده، عوامل اجتماعی شبکه روابط شخصی و میزان تنوع یا ناهمگونی و همه متغیرهای زمینه‌ای به غیر از میزان درآمد دارای ارتباط معنادار با سطح تحمل اجتماعی است.

کلید واژه‌ها

اعتماد اجتماعی، تحمل اجتماعی، سرمایه اجتماعی، عوامل اجتماعی، ناهمگونی اجتماعی

^{*}دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاداسلامی، رودهن، ایران.

^{**}استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاداسلامی، رودهن، ایران.

^{***}دانش آموزی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه آزاداسلامی، رودهن، ایران.

مقدمه

توسعه مناطق مختلف کشور به دست افراد و سازمان‌های مختلف همواره مورد توجه بوده و در این تحقیق نیز تلاش شده است به عنوان فردی که وابستگی خاصی به شهرستان سراب و به خصوص مرکز آن دارد بخشی از موانع و مشکلات پیش‌رو، مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد تا شاید با رفع آن شاهد شکوفایی بیشتر استعدادهای موجود در منطقه باشیم. بی‌شک عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی جغرافیایی قادر به اثرگذاری بر وضع موجودند. در این فرصت ناچیز به بخشی از این مسائل پرداخته شد تا به عنوان مقدمه‌ای در رفع مسائل، نقشی هر چند خرد ایفا شود. موضوع تحمل اجتماعی که این روزها به یک مسئله جدی در عرصه‌های مختلف تبدیل شده است موضوعی است که نمی‌توان از کنار آن به سرعت عبور کرد، چرا که میزان و سطح آن می‌تواند تأثیر ژرف و خیره‌کننده‌ای بر سایر شاخص‌های توسعه بگذارد. در این پژوهش تلاش شد با شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر در سطح تحمل اجتماعی و دلایل عقب‌ماندگی سطح تحمل اجتماعی در شهر سراب شناسایی و راهکارهای لازم در این خصوص پیشنهاد شود.

بیان مسئله

بی‌شک زندگی اجتماعی اتفاق نمی‌افتد و دوام نمی‌یافت اگر افراد گرد هم آمده در یک مکان حاضر به تحمل گوناگونی‌های متعدد، پیچیده، و حتی متضاد آن جمع نبودند. تحمل اجتماعی نه تنها به خودداری از ابراز احساس منفی به هر شخص یا هر چیز متفاوت با کنشگر مرجع، بلکه به این باور اشاره می‌کند که تفاوت‌ها ضروری و برای ارتقای کنشگر مرجع لازم‌اند. در جوامعی که مبتنی بر همبستگی مکانیکی بودند و پیوند افراد به همدیگر مبتنی بر مشابهت‌های آنها بود، تحمل اجتماعی اگرچه لازم بود، ولی مسئله‌ای ایجاد نمی‌کرد. چرا که شدت بالای وجدان جمعی و تعصب، سبب می‌شد هر نوع گوناگونی در شیوه‌های زیست، تفکر و رفتار، به طور طبیعی با واکنش‌های طبیعی شدید و خشن مواجه شود. با ورود جوامع به دنیای مدرن، که با تقسیم کار و تخصصی شدن و به تبع آن با گسترش سبک‌های متنوع زندگی و رفتار و تفکر همراه است، همبستگی مکانیکی جای خود را به همبستگی ارگانیکی می‌دهد و پیوندهای افراد نه براساس مشابهت‌ها، بلکه مبتنی بر تفاوت‌هایشان در نظام تقسیم کار اجتماعی است. در این جوامع تحمل اجتماعی یکی از شرایط زیست اجتماعی است. در شرایطی که وجدان جمعی تضعیف شده است، تنها ساز و کار فعال برای کنار آمدن با گوناگونی‌های زیستی، رفتاری، و فکری افزایش تحمل اجتماعی است. شهرستان سراب واقع در استان آذربایجان شرقی نیز از جمله واحدهای اجتماعی است که در دهه‌های اخیر شاهد دگرگونی اساسی در پارامترهای ساختار اجتماعی خود بوده است. لازم است به چند مورد از آنها اشاره شود:

ب) تأسیس دانشگاه آزاد و ورود جوانان از اقصی نقاط کشور با خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های متفاوت زیست؛

ج) ورود فناوری‌های جدید رسانه‌ای مثل ماهواره؛

د) افزایش تعداد دانشجویان، به گونه‌ای که به‌طور متوسط در هر خانواده یک دانشجو در حال تحصیل در دانشگاه بوده یا هست.

عواملی از این دست منجر به ایجاد ناهمگونی‌های فزاینده در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، معیشت و حتی افکار سیاسی شده است. اما واکنش شهروندان سراب به این ناهمگونی فزاینده، متفاوت بوده است. بسیاری از مسئولان شهر و متفکران دست‌اندرکار مدیریت و تدبیر عمومی در سطح شهرستان سراب اصولاً نتوانسته‌اند پاسخی دقیق و قابل اعتماد به این پرسش بدهند که آیا تنوعات و پیچیدگی‌های ساختاری بر سطح تحمل اجتماعی شهروندان مؤثر بوده است یا نه؟ تجربه زیستی برخی از این افراد نشان از آن دارد که اصولاً واکنش شهروندان به این تنوع فزاینده مثبت بوده است. بدین معنا که کمینه تحمل اجتماعی را از یک حد بسیار پایین به حدی بالاتر از آن ارتقا داده است، اما کمینه تحمل اجتماعی همچنان پایین است. برخی دیگر، واکنش شهروندان به این تحول را منفی قلمداد کرده‌اند. به‌زعم آنها، شهروندان همچنان سبک‌های متفاوت زندگی را طرد، شیوه‌های رفتار متفاوت را تقبیح، و ایده‌های متفاوت با ایده‌های خود را منحنق قلمداد می‌کنند. بدیهی است پیامد عدم تحمل اجتماعی این تفاوت‌ها برای سطوح مختلف ساختار شخصیتی و اجتماعی زیان‌بار است. در این وضعیت مبهم، هرگونه سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی منوط به پژوهش سازمان یافته درباره میزان تحمل اجتماعی و راه‌های افزایش آن از طریق شناخت عوامل مؤثر بر آن است. بنابراین بایستی سطح تحمل اجتماعی شهروندان را وابسته به عواملی دانست که کم و کیف آنها به‌طور منفرد یا ترکیبی بر سطح تحمل اجتماعی شهروندان اثرگذار است. شناسایی این عوامل جز از طریق چارچوب‌بندی آنها در قالب یک نظریه یا مکتب فکری میسر نیست. در اینجا از چارچوب نظری عاملیت/ساختار (نظریه ساختمندی) گیدنز استفاده می‌شود. طبق آن، هر پدیده اجتماعی حاصل تعامل ساختارهای اجتماعی و عملکردهای کنشگران درون آن ساختار است. آنچه درباره موضوع پژوهش حاضر در این طرح مقدماتی می‌توان گفت این است که سطح تحمل اجتماعی همزمان حاصل عوامل ساختاری (از قبیل درجه ناهمگونی اجتماعی - فرهنگی، سرمایه اجتماعی و گسترش رسانه‌های جمعی از یک طرف، و عوامل شخصیتی از قبیل جزم‌گرایی، فردگرایی، تحرک فیزیکی درون و بین‌شهری) است و خود در برگشت بر آنها اثر می‌گذارد. اگرچه در این پژوهش سطح تحمل اجتماعی به لحاظ تحلیلی وابسته به آنها قلمداد می‌شود، هدف پژوهش اندازه‌گیری سطح تحمل اجتماعی و بازشناسی عوامل عمدتاً اجتماعی ساختاری و شخصیتی مؤثر بر آن در پی پاسخ به پرسش‌های قابل پژوهش است.

اهداف پژوهش

شناسایی ارتباط میان عوامل اجتماعی (سطح ناهمگونی اجتماعی، سطح سرمایه اجتماعی، سطح گسترش رسانه‌ها، سطح جزم‌گرایی، سطح فردگرایی و متغیرها زمینه‌ای) با سطح تحمل اجتماعی هدف این پژوهش است، همچنین از ارتقای سطح کنار آمدن شهروندان با تحولات سریع اجتماعی و تنوعات روزافزون و کاهش آسیب‌های اجتماعی و شخصیتی ناشی از آستانه پایین تحمل اجتماعی، می‌توان به عنوان هدف‌های کاربردی این پژوهش یاد کرد.

مبانی نظری

تعریف مفهوم تحمل¹:

تحمل اصطلاح توصیفی گرایش‌های اجتماعی یا رفتار فرد است که در مقابل نابردباری قرار دارد. این گرایش یا رفتار برای اندیشه‌ها، گرایش‌ها و افرادی که از نظر محتوا و هدف با اکثریت متفاوت از هیچ نوع آزادی یا حقی قائل نمی‌شود (مانند گروه‌های اقلیت). همچنین به تلاشی اشاره دارد که فعالانه در جهت ممانعت از طرد شدن یا تحت فشار قرار دادن افراد یا بیگانگانی است که شیوه رفتار و اندیشه متفاوتی دارند (ملی، 1993: 780).

تحمل، گرایش به پذیرش آزادمشانه رفتارها، اعتقادات و ارزش‌های دیگران است. به طوری که این اصطلاح با معنی ضمنی مثبت به کار می‌رود. بدین معنی که به تحمل موضع دفاعی شدید ارزش‌های دیگران و شناخت ارزش‌های کثرت‌گرایی² اشاره دارد.

در فرهنگ هریتج چهار معنی برای تحمل می‌یابیم:

- 1- توانایی یا عمل به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به اندیشه، اعمال یا رفتار دیگران.
 - 2- آزادی انحراف از استاندارد، یا آزادی انحراف از ارزش‌های مشخص ابعاد ساختاری.
 - 3- توانایی تحمل درد و سختی.
 - 4- مقاومت فیزیولوژیکی در برابر سموم: توانایی جذب دارو به طور مداوم با دوز بالا بدون اثر معکوس.
- در فرهنگ آکسفورد، تحمل به معنی عمل بردبارانه در برابر عقاید، افکار و رسوم مذهبی و نژادی است که با عقاید خود تفاوت دارد.
- جان استوارت میل، تحمل را امری اخلاقی می‌داند و معتقد است لازمه این امر وجود تعدد و تنوع در مکاتب و عقاید است (بهشتی، 1376: 25-26). همچنین ولتر داستان نویسی بود که تا پایان عمرش

¹ tolerance

² Pluralism

به بلایی تاخت که آن را "تعصب" می‌نامید. ولتر مستقیماً تحمل را در آثار نامه‌های فلسفی، فرهنگی فلسفی و پرسش‌هایی دربارهٔ دایره المعارف مطرح کرد (همان: 17-16).

مکین تاش² و آبله³ به بررسی تحمل قومی در جوامع چند قومیتی و بوسنی هرزگوین پرداخته‌اند. آنها معتقدند که تحمل مهم‌ترین عامل دستیابی به توسعه و دموکراسی است (مکین تاش، آبله، 1996: 124).

اما براساس رویکرد رقابت قومی، فراگرد نوسازی، دارای توانایی ایجاد پیش‌زمینه‌های هماهنگی قومی و تضاد قومی است. در حالی که نظریه نوسازی روابط قومی، بر فرآیندهای قومی تأکید دارد که منجر به گسستن مرزهای قومی و کاهش هویت قومی می‌شود (همان: 204). مکین تاش و آبله در بررسی نظریهٔ مدرنیته (نوسازی) روابط قومی دریافتند که افزایش تفکیک اجتماعی⁴ و تخصصی شدن، شالودهٔ افزایش تحمل قومی را فراهم می‌کند. این عمل از طریق کاهش اهمیت پیوندهای اجتماعی سنتی و منابع هویت، مانند قومیت و مذهب به وجود می‌آید (همان: 246). یکی از محورهای کلیدی نقد اجتماع‌گرایان از نظریهٔ سیاسی و اخلاقی لیبرال‌ها متمرکز بر اجتماع است. در دیدگاه تکثرگرایی اصول تحمل با به رسمیت شناختن ارزش مثبت تکثرگرایی در جامعه به وجود می‌آید، و این امر نیز از طریق به کارگیری توانایی قضاوت، تعهد عقلانی و خود ارزیابی انتقادی میسر خواهد بود. همین مطلب به طور ضمنی در دیدگاه چلبی در قضیهٔ وابستگی عاطفی و شبکه تعاملات جامعه مطرح شده و می‌گوید در نهایت وابستگی عاطفی تعمیم یافته منجر به پذیرش کثرت‌گرایی و افزایش تحمل افراد می‌شود (فاورز و همکاران¹، 1996: 87).

چونگ نیز در مدل انطباق اجتماعی ابعاد بنیانی تحمل، اعم از تحمل اجتماعی، سیاسی و نژادی را مطرح می‌کند. تغییرات سه عامل این مدل به هم وابسته هستند، به طوری که تغییر در یکی منجر به تغییر در دوتای دیگر می‌شود. این سه عامل عبارت‌اند از: هنجارها، گرایش‌ها، بردباری (چلبی، 1375: 76). براساس دیدگاه تضاد واقعی، تعصب گروه‌ها به یکدیگر بر سر منافع واقعی قابل دسترسی است که با یکدیگر تضاد دارند. اما دیدگاه انگیزشی با دیدگاه مناقشه‌آمیز پیرامون نظرات زیگموند فروید آغاز می‌شود. به نظر فروید، تضادهای انگیزشی در رفتارهای بشری در ناخودآگاه ریشه دارد و فرد از آنها آگاه نیست. دیدگاه نهایی فروید این ایده است که تمام کارهایی که ما انجام می‌دهیم از نیروهای ناآگاهانه سرچشمه می‌گیرند و پذیرش آن دشوار است.

در حالی که دیدگاه شناختی تعصب تأکید می‌کند که تعصب اساساً به اعتقادات مربوط است، اگر یکی از ما متعقد باشیم که فرد یا گروهی ذاتاً حقیر و اساساً خطرناک است، براساس همین اعتقاد عمل می‌کنیم، به علاوه دیدگاه شناختی مبتنی بر این عقیده است که رسیدن فرد به این باور، نتیجهٔ انگیزه

¹ Fowers, etal

عجیب یا انضباط خاص وی نیست، بلکه ریشهٔ تعصب این حقیقت است که حافظهٔ ما جایز الخطاست (سبینی¹، 1994: 143).

با تلفیق نظرات مطرح شده در عوامل اجتماعی اثرگذار بر سطح تحمل اجتماعی، می‌توان گفت که توسعهٔ شبکهٔ تعاملات اجتماعی باعث کثرت‌گرایی بیشتر و کثرت‌گرایی بیشتر همراه با سرمایهٔ اجتماعی سبب کاهش جزم‌گرایی و افزایش تحمل اجتماعی می‌شود.

جدول 1: تدوین خلاصه فرضیات و روند ارجاع به چهارچوب نظری تحقیق

تدوین خلاصه فرضیات و روند ارجاع به چهارچوب نظری تحقیق	
چلبی	تحمل اجتماعی با توسعهٔ شبکهٔ اجتماعی فرد افزایش می‌یابد و با تضعیف آن کاهش می‌پذیرد. گزاره: توسعهٔ شبکهٔ اجتماعی در افزایش سطح تحمل اجتماعی مؤثر است. فرضیه: سطح سرمایهٔ اجتماعی با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.
برنارد و ویلیامز ²	با توسعهٔ سطح روابط و سرمایهٔ اجتماعی، تحمل اجتماعی افزایش می‌یابد و با کاهش سطح روابط و سرمایهٔ اجتماعی (انزوای اجتماعی) تحمل اجتماعی کاهش می‌یابد. گزاره: افزایش سطح اعتماد اجتماعی در افزایش سطح تحمل اجتماعی مؤثر است. فرضیه: سطح سرمایهٔ اجتماعی با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.
اینگلهارت	کثرت‌گرایی و تعارض ارزش‌ها ما را به تساهل فرا می‌خوانند. گزاره: افزایش کثرت‌گرایی در افزایش تحمل اجتماعی مؤثر است. فرضیه: سطح ناهمگونی اجتماعی با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.
تامپسون	سرمایهٔ اجتماعی، فرهنگ اعتماد و مداراست. گزاره: میزان بالای سرمایه اجتماعی با مفهوم کلی در افزایش سطح تحمل اجتماعی مؤثر است. فرضیه: سطح سرمایه اجتماعی با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.
گیدی رابیسستین	برخی برنامه‌های تلویزیونی می‌تواند شیوه تحمل کردن دیگران، برقرار کردن ارتباط مناسب با دیگران، تحمل گروه‌های قومی و نژادی و غیره را به کودکان بیاموزد. گزاره: رسانه در گسترش فرهنگ مدارا و تحمل اجتماعی مؤثر است. فرضیه: سطح گسترش رسانه‌ها با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.
	شخصیت اقتدارگرایی نشانگان نابداری و انعطاف‌ناپذیری است. گزاره: میزان بالای اقتدارگرایی در کاهش تحمل اجتماعی مؤثر است. فرضیه: سطح جزم‌گرایی با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.
	افرادی که سطح تعصبشان بالاست، ترجیح می‌دهند با افرادی تعامل داشته باشند که شبیه خودشان باشند، زیرا چنین ارتباط‌هایی راحت‌تر از ارتباط با غریبه‌هاست و فشار روانی کمتری در پی دارد. گزاره: سطح بالای تعصب بر کاهش میزان تحمل اجتماعی اثر گذار است. فرضیه: سطح جزم‌گرایی با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.

¹ Bernard Williams

² Aynglhart

افراد، در فرهنگ‌های فردگرا، کلی‌نگر هستند و معیار ارزش آنها برای همگان یکسان است. اما افراد در گودیکانست فرهنگ‌های جمع‌گرا خاص‌نگر هستند. در نتیجه معیارهای ارزشی متفاوتی را برای اعضای گروه‌های خودی و بیگانه به کار می‌برند.

گزاره؛ افزایش سطح فردگرایی در افزایش تحمل اجتماعی موثر است.

فرضیه؛ سطح فردگرایی با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.

وابستگی عاطفی تعمیم یافته تحت تاثیر شبکه تعاملات اجتماعی بیشتر، منجر به پذیرش کثرت‌گرایی چلبی و افزایش تحمل و توسعه افراد می‌شود.

گزاره؛ توسعه شبکه تعاملات اجتماعی باعث کثرت‌گرایی بیشتر و کثرت‌گرایی بیشتر سبب افزایش تحمل می‌شود.

فرضیه؛ سطح فردگرایی با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.

بردباری در بخش‌هایی از جامعه که دارای ویژگی‌های زیر باشند افزایش می‌یابد: "جوانان، مکین تاش و تحصیل کرده‌ها، شهرنشین‌ها و افراد کمتر سنتی". براساس نظریه نوسازی افراد جوان، تحصیل کرده آبله شهری و کمتر سنتی صرف نظر از قومی که به آن تعلق دارند بردبارتر از سایرین هستند.

گزاره؛ افزایش تحصیلات در افزایش تحمل اجتماعی موثر است.

فرضیه؛ میزان تحصیلات با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.

فرضیه‌های تحقیق

سطح عوامل اجتماعی (سطح ناهمگونی اجتماعی، سطح سرمایه اجتماعی، سطح گسترش رسانه‌ها، سطح جزم‌گرایی، سطح فردگرایی و متغیرهای زمینه‌ای از جمله وضعیت شغلی، میزان درآمد ماهیانه، میزان تحصیلات، سن، جنسیت، وضعیت تاهل) با سطح تحمل اجتماعی رابطه دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در تحقیق حاضر که به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سطح تحمل اجتماعی در میان پاسخگویان اختصاص دارد، با توجه به ویژگی موضوع تحقیق و کثرت متغیرهای اثرگذار، روش پیمایش مورد استفاده قرار گرفته است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شهروندان شهرستان سراب است که در سال 89 مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تعداد افراد جامعه آماری 43000 نفرند و حجم نمونه براساس فرمول کوکران 381 نفر به دست آمده است.

روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از روش طبقه‌بندی از نوع نامتناسب با حجم استفاده شده است. همه اعضای جامعه تعرف شده، برای انتخاب شدن شانس برابر داشته‌اند.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل و وابسته این پژوهش در قالب دو جدول زیر، هم به صورت توصیفی و هم در قالب تعاریف نظری و عملیاتی شرح داده می‌شوند:

جدول 2: تحلیل توصیفی متغیرها

متغیرها	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
جنسیت	381	1	2	1.37	0.484
تاehl	381	1	3	1.44	0.518
میزان تحصیلات	381	1	6	4.05	1.173
وضعیت شغلی	381	1	12	4.03	2.863
سن	381	14	73	30.99	9.473
درآمد ماهیانه	381	1	6	3.12	1.898
سطح ناهمگونی اجتماعی	381	7	41	27.58	6.16
سطح سرمایه اجتماعی	381	16	71	46.34	8.58
سطح گسترش رسانه‌های جمعی	381	2	12	8.14	2.39
سطح جزم‌گرایی	381	9	28	20.04	3.14
سطح فردگرایی	381	3	18	11.97	2.84
سطح تحمل اجتماعی (متغیر وابسته)	381	21	48	34.72	5.28

در جدول بالا متغیرهای اسمی با استفاده از نرم‌افزار spss کدگذاری شده‌اند، به عنوان مثال در متغیر جنسیت برای جنس مرد کد 1 و برای زن کد 2 در نظر گرفته شده است یا در تاehl برای افراد متأهل کد 1 و برای مجردها کد 2 منظور شده است.

با توجه به آنچه در جدول بالا آمده است (میانگین، کمینه و بیشینه) بیشتر متغیرهای این پژوهش در جامعه نمونه دارای توزیع نرمال بوده‌اند و چولگی زیادی نسبت به متوسط داده‌ها ندارند.

جدول 3: تعاریف عملیاتی متغیرها

جدول تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها	
متغیرهای مستقل	سطح ناهمگونی اجتماعی، سطح سرمایه اجتماعی، سطح گسترش رسانه‌های جمعی، سطح جزم‌گرایی، سطح فردگرایی
متغیر	سطح ناهمگونی اجتماعی
تعریف	سطح ناهمگونی اجتماعی: به عقیده بلاو صورتی از تمایز است که توزیع جمعیت در میان گروه‌های گوناگون برحسب عوامل اسمی را در برمی‌گیرد.

<p>الف: سطح تماس با اقوام مختلف: تعداد ارتباط با اقوام مختلف براساس پرسش‌های باز و کیفیت معاشرت با آنها برحسب میزان صمیمیت براساس پرسش‌های طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد.</p>	
<p>ب: سطح تماس با خرده فرهنگ‌های متفاوت: تعداد ارتباط افراد با خرده فرهنگ‌های متفاوت براساس پرسش‌های باز و کیفیت معاشرت با آنها برحسب میزان صمیمیت براساس پرسش‌های طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد.</p>	<p>توصیف شاخص‌ها</p>
<p>ج: سطح تماس با سطوح تحصیلات متفاوت: تعداد ارتباط با افراد در سطح تحصیلی متفاوت براساس پرسش‌های باز و کیفیت معاشرت با آنها برحسب میزان صمیمیت براساس پرسش‌های طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد.</p>	
<p>پوتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد.</p>	<p>تعریف</p>
<p>اعتماد اجتماعی، شبکه روابط شخصی</p>	<p>شاخص‌ها</p>
<p>الف: اعتماد اجتماعی: میزان باور داشتن به مردم، میزان قابل اعتماد بودن مردم، اعتماد به مسئولان دولتی، اعتماد کردن به افراد سایر قوم‌ها و کاست‌های دیگر، اعتماد به همسایه با پرسش‌های طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرند. (پیران)</p>	<p>توصیف شاخص‌ها</p>
<p>ب: شبکه روابط شخصی: تعداد عضویت‌ها، فراوانی مشارکت، میزان با هم بودن مردم، وصل بودن محله‌ای، میزان تنوع یا ناهمگونی عضویت با پرسش‌های طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرند. (پیران)</p>	
<p>هر نوع وسیله، ابزار یا صنعتی که برای انتخاب، انتقال و دریافت محتویات یا مضامینی مانند اطلاعات به کار گرفته می‌شود. (انگ)</p>	<p>تعریف</p>
<p>ماهواره، سی دی</p>	<p>شاخص‌ها</p>
<p>میزان گسترش و همه‌گیری ماهواره و سی دی برحسب میزان ساعات استفاده در روز</p>	<p>توصیف شاخص‌ها</p>
<p>تعصب، تصورات غالبی، اقتدارگرایی</p>	<p>شاخص‌ها</p>
<p>تعصب: میزان نگرش خوب یا بد به گروه‌های بیگانه در پیوستاری از کم تا زیاد در پرسش‌های طیف لیکرت سنجیده می‌شود.</p>	<p>توصیف شاخص‌ها</p>
<p>تصورات قالبی: میزان نگرش مثبت به گروه‌های خودی با شاخص‌های از پیش تعریف شده در ذهن افراد که در پرسش‌های طیف لیکرت سنجیده می‌شود.</p>	
<p>اقتدارگرایی: میزان گرایش به تحمیل نظرات اطرافیان که در پرسش‌های طیف لیکرت سنجیده می‌شود.</p>	
<p>سطح فردگرایی</p>	<p>متغیر</p>
<p>فرهنگ تکیه بر فرد و خود (بودیکاست)</p>	<p>تعریف</p>
<p>تلاش برای نفع شخصی بدون توجه به پیامدهای جمعی، تلاش برای ابطال ایده‌های گروه، تلاش برای ارتقای سازمانی به هر طریق ممکن</p>	<p>شاخص‌ها</p>
<p>شاخص‌ها در پرسش‌های طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرند.</p>	<p>توصیف شاخص‌ها</p>

متغیر وابسته	سطح تحمل اجتماعی
تعریف	بردباری ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها (مدارا)ست و اشاره به این دارد که افراد تا چه حد هنجارها، سبک‌های زندگی و عقایدی را که با دیدگاه خودشان تفاوت دارد می‌پذیرند و به آن احترام می‌گذارند.
شاخص‌ها	پذیرش سبک‌های متفاوت پوشش، ازدواج، معیشت، پذیرش مخالفت فکری
توصیف شاخص‌ها	شاخص‌ها در پرسش‌های طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرند.

تعیین میزان اعتبار (روایی) و اعتماد (پایایی) ابزار اندازه‌گیری

بعد از تهیه پرسشنامه و قبل از اجرای نهایی آن، هر پرسش و کلیت پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفت. این آزمون به دو صورت اجرا شده است. صورت اول، تعیین اعتبار (روایی) پرسشنامه و صورت دوم پایایی درون پرسشنامه بوده است. برای مشخص کردن اعتبار محتوای این پرسشنامه از روش اعتبار صوری (ظاهری) استفاده شده است. به این صورت که پس از تهیه پرسشنامه و قبل از اینکه به صورت نهایی اجرا شود، با کارشناسان و استادان با تجربه و مطلع از مناسبات بومی مشورت شد و در نهایت پرسشنامه نهایی تهیه و در مورد توزیع آن اقدام شد. بنابراین ابزار اندازه‌گیری این پژوهش دارای اعتبار صوری است.

برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این پژوهش برای سنجش پایایی مربوط، 45 پرسشنامه در میان نمونه آماری توزیع و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضریب آلفای مورد نظر به طور تقریبی 0/698 است. با توجه به میزان آلفای به دست آمده، نتیجه گرفته شد که پرسشنامه طراحی شده قابل قبول است اما پایایی بالایی ندارند.

یافته‌ها

در این بخش فرضیه‌های مختلف براساس نوع آن (تفاوتی یا رابطه‌ای) و همچنین سطح سنجش متغیر (اسمی، نسبی و...) مورد آزمون قرار گرفتند. پس از اجرای آزمون‌های آماری بر روی فرضیات پژوهش، نتایج به شرح زیر حاصل شد:

یافته‌های فرضیه شماره 1 (سطح ناهمگونی اجتماعی)

وجود ناهمگونی در یک جامعه، به کارگیری میزانی از تحمل اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. همان طور که بلاو نیز می‌گوید، هر جامعه‌ای می‌تواند نابرابری‌های فراوانی را تحمل کند. وی همچنین بیان می‌کند ناهمگونی بیش از اندازه، موانعی سر راه یکپارچگی اجتماعی ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر در جوامع با ناهمگونی بیشتر و با یکپارچگی کمتر میزان بالاتری از تحمل اجتماعی دیده می‌شود. همچنین کثرت‌گرایی و میزان تعاملات اجتماعی افراد به عنوان معرف‌های سطح ناهمگونی اجتماعی در سطح تحمل اجتماعی مؤثرند. بنابر نظریه برنارد ویلیامز، کثرت‌گرایی و تعارض ارزش‌ها

ما را به تساهل فرا می‌خوانند. میزان تعاملات اجتماعی نیز با سطح تحمل اجتماعی دارای چنین رابطه‌ای است. چنان که چلبی نیز می‌گوید، توسعه شبکه تعاملات اجتماعی به وابستگی عاطفی تعمیم یافته‌تر و کثرت‌گرایی بیشتر می‌انجامد، کثرت‌گرایی بیشتر نیز باعث افزایش بردباری می‌شود. برای آزمون این فرضیه رابطه‌ای که مربوط به همبستگی میان سطح همگونی اجتماعی و بردباری بود، از آزمون‌های پیرسون و رگرسیون استفاده شد. در آزمون این فرضیه شدت و جهت رابطه میان میزان تحمل اجتماعی و سطح ناهمگونی اجتماعی برابر با $0/009$ مثبت و در سطح معناداری بزرگ‌تر از $0/05$ است، که نشان دهنده «همبستگی ضعیف» و عدم وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر مذکور است.

یافته‌های فرضیه شماره 2 (سطح سرمایه اجتماعی)

بنابه عقیده اینگلهارت، سرمایه اجتماعی، فرهنگ اعتماد و مداراست. بر این اساس سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌هایی چون 1. اعتماد اجتماعی 2. شبکه روابط شخصی 3. میزان تنوع یا ناهمگونی عضویت، به طور مستقیم توسعه دهنده تحمل اجتماعی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر تحمل اجتماعی از پیامدهای وابسته به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه محسوب می‌شود. برای آزمون این فرضیه رابطه‌ای که مربوط به همبستگی میان سطح سرمایه اجتماعی و بردباری بود، از آزمون‌های پیرسون و رگرسیون استفاده شد. شدت و جهت رابطه میان متغیر وابسته (میزان تحمل اجتماعی) و متغیر مستقل (اعتماد اجتماعی) برابر با $0/019$ مثبت و در سطح معناداری بزرگ‌تر از $0/05$ است. در مورد دیگر شاخص سرمایه اجتماعی نیز همین نتیجه متفاوت شد. شدت و جهت رابطه میان متغیر وابسته (میزان تحمل اجتماعی) و متغیر مستقل (شبکه روابط شخصی) برابر با $0/209$ مثبت و در سطح معناداری کامل است. یعنی توسعه شبکه اجتماعی در افزایش سطح تحمل اجتماعی موثر است. وجود شبکه‌های اجتماعی حائلی مقابل عامل فشارزای درونی (مشکلات زندگی و افسردگی‌ها) است. کارولین حمایت‌های عاطفی، دوستی‌ها و اعمال اجتماعی را در این رابطه مؤثر دانسته است. همچنین شدت و جهت رابطه میان متغیر وابسته (میزان تحمل اجتماعی) و متغیر مستقل (میزان تنوع یا ناهمگونی عضویت) برابر با $0/215$ مثبت و در سطح معناداری کامل است، که نشان دهنده «همبستگی ضعیف» بین دو متغیر مذکور است؛ یعنی با افزایش میزان تنوع یا ناهمگونی عضویت، میزان تحمل اجتماعی آنان نیز افزایش خواهد یافت که نتایج فرضیه اول را نیز تأیید می‌کند. به طور کلی شدت و جهت رابطه میان متغیر وابسته (میزان تحمل اجتماعی) و متغیر مستقل (سطح سرمایه اجتماعی) برابر با $0/054$ مثبت و در سطح معناداری بزرگ‌تر از $0/05$ است. این نتیجه با توجه به عدم ارتباط معنادار شاخص اعتماد اجتماعی با معنادار بودن دو شاخص دیگر سرمایه اجتماعی با تحمل اجتماعی به دست آمده است. نتایج این آزمون نشان داد که با افزایش شبکه روابط شخصی و افزایش میزان تنوع یا ناهمگونی عضویت، میزان تحمل اجتماعی افراد نیز افزایش خواهد یافت.

یافته‌های فرضیه شماره 3 (سطح گسترش رسانه‌های جمعی)

برای آزمون این فرضیه رابطه‌ای که مربوط به همبستگی میان میزان گسترش رسانه‌های جمعی و بردباری است از آزمون‌های پیرسون و رگرسیون استفاده شد. شدت و جهت رابطه میان متغیر وابسته (میزان تحمل اجتماعی) و متغیر مستقل (سطح گسترش رسانه‌های جمعی) برابر با $0/059$ مثبت و در سطح معناداری بزرگ‌تر از $0/05$ است، یعنی ارتباط معناداری میان گسترش رسانه‌های جمعی و میزان تحمل اجتماعی افراد در این پیمایش دیده نشد. نظرات بیانگر ارتباط رسانه با گسترش فرهنگ مدارا و تحمل اجتماعی مؤثر است. چنانچه به عقیده تامپسون، برخی از برنامه‌های تلویزیونی می‌تواند شیوه تحمل کردن دیگران، برقرار کردن ارتباط مناسب با دیگران، تحمل گروه‌های قومی و نژادی و غیره را به کودکان بیاموزد. به طور کلی در عصر حاضر به گفته لول، رسانه یکی از چهار رکنی است که چه به طور افقی و چه عمودی، به تأثیر و تأثر کامل رسیده‌اند، و بدان وسیله بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ تأثیر می‌گذارند. عدم وجود ارتباط در این پژوهش می‌تواند ناشی از عدم گسترش رسانه‌هایی همچون ماهواره در سراب به فراوانی کلان شهرها باشد.

یافته‌های فرضیه شماره 4 (سطح جزم‌گرایی)

برای آزمون این فرضیه رابطه‌ای که مربوط به همبستگی میان سطح جزم‌گرایی و بردباری است، از آزمون‌های پیرسون و رگرسیون استفاده شد. شدت و جهت رابطه میان متغیر وابسته (میزان تحمل اجتماعی) و متغیر مستقل (سطح جزم‌گرایی) برابر با $0/109$ ضعیف و در سطح معناداری بزرگ‌تر از $0/05$ است که نشان دهنده عدم وجود ارتباط بین دو متغیر است.

یافته‌های فرضیه شماره 5 (سطح فردگرایی)

رابطه میان متغیر وابسته (میزان تحمل اجتماعی) و متغیر مستقل (سطح فردگرایی) در سطح معناداری $0/948$ است و چون از $0/05$ بزرگ‌تر است، رابطه بین دو متغیر تأیید نشد.

یافته‌های فرضیات شماره 6، 7، 8، 9، 10، 11 متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت شغلی، میزان درآمد ماهیانه، میزان تحصیلات، سن، جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت شغلی)

برای آزمون این فرضیه تفاوتی که مربوط به سنجش تفاوت سطح بردباری میان مشاغل مختلف بود، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد که سطح معناداری (sig) برابر با $0/018$ شد، به علت کوچک‌تر بودن عدد حاصله از $0/05$ فرض صفر H_0 رد و فرض یک H_1 تأیید می‌شود، یعنی میان میزان مشارکت سیاسی این 12 گروه (1. آزاد 2. کارمند 3. دبیر، استاد 4. کشاورز 5. خانه‌دار 6. دانشجو 7. بازنشسته 8. بیکار 9. کارگر 10. پرستار 11. محصل 12. پزشک) تفاوت معناداری وجود دارد. بیشترین میزان تحمل اجتماعی در میان پزشکان و محصلان و کارمندان، کمترین میزان تحمل

اجتماعی در میان کشاورزان، دانشجویان و کارگران است. در تفسیر چرایی این نتیجه به چند عامل می‌توان اشاره کرد. رتبه منزلت شغلی که از شاخص‌های اعتبار اجتماعی نظریه قشر بندی و بر است، در میان پزشکان بسیار بالا و در میان کشاورزان و کارگران بسیار پایین است، بنابراین می‌توان برداشت کرد که میزان بالاتر اعتبار اجتماعی و البته ثروت به عنوان دیگر شاخص قشر اجتماعی، آستانه تحمل اجتماعی بالاتری را به ارمغان می‌آورد. در توضیح آستانه تحمل بالای محصلان نسبت به دانشجویان لازم است به موقعیت اجتماعی و دوره سنی این افراد به عنوان سامان دهنده انتظارات، نگرش‌ها و دغدغه‌های آنان توجه کرد. در واقع مصادیق و عوامل مزاحم و شرایط دشوار در میان دانشجویان به خصوص با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی فعلی جامعه ایران همراه با ویژگی‌های آرمان خواهانه و نیز هیجان طلبی و محافظه کاری کمتر این قشر به میزان پایین تر تحمل اجتماعی نسبت به قشر محافظه کار کارمند و کم آگاه محصل منجر می‌شود. همچنین قابل اشاره است که افراد در دوره سنی پایین تر به خصوص در دوران ابتدایی، از جامعه پذیری قومیت خویش سهم کمتری برده‌اند و به تبع آن، نشانگان و خودآگاهی هویتی ضعیف‌تری دارند، شکل‌گیری هویت به وجود دیگری مهم و داشتن موضع در برابر آن وابسته است. افراد در دوره ابتدایی هنوز درگیر مرزبندی‌های هویتی و موضع‌گیری‌ها و تعارضات نشده‌اند. از سوی دیگر با ورود فرد به دوره‌های بالاتر و بنا به نظر بورديو افزایش عرصه‌های رقابتی، ساختمان ذهنی پیچیدگی‌های بیشتری می‌یابد و در شناسایی و دستیابی به سرمایه و ارزش، عملکردهای تمایز آمیز می‌آفریند. همین عملکردها موضع‌گیری‌های بیشتری را ایجاد می‌کند. به خصوص که دانشگاه مکانی پر اهمیت در شکل‌گیری آگاهی قومی و هویت اجتماعی و فرهنگی و بروز برخی تعصبات به شمار می‌رود. همگونی اجتماعی در دانشگاه‌های مناطق قومی همچون سراب با دانشجویان قومی این مسئله را تشدید می‌کند.

میزان درآمد ماهیانه

برای آزمون این فرضیه رابطه‌ای که مربوط به همبستگی میان درآمد ماهیانه و بردباری بود، از آزمون اسپیرمن استفاده شد. شدت و جهت رابطه میان متغیر وابسته (میزان تحمل اجتماعی) و متغیر مستقل (درآمد ماهیانه) برابر با 0/088 و مثبت است و سطح معناداری 0/085 که بزرگ‌تر از 0/05 است، ارتباط این دو متغیر را تأیید نمی‌کند. فارغ از این نتیجه که ممکن است ناشی از محدودیت‌ها و تنگناهای پیمایش بوده باشد، به نظر می‌رسد افزایش درآمد به طور مستقیم در افزایش میزان رفاه و به تبع آن بر کاهش عوامل دخیل در ناملایمات روحی و روانی، افزایش امکان تحرک فیزیکی و روابط با اقشار دیگر و نیز فرصت‌های کسب آگاهی مؤثر است، بیشتر این موارد به عنوان عوامل افزایش سطح تحمل اجتماعی در دیگر فرضیات بررسی شده‌اند.

میزان تحصیلات

برای آزمون این فرضیه تفاوتی که مربوط به سنجش همبستگی میان سطح بردباری و میزان تحصیلات بود، از آزمون اسپیرمن استفاده شد. میزان سطح معناداری (sig) برابر با 0/001 است که به دلیل کوچکتر بودن عدد حاصله از 0/05 فرض صفر H_0 رد و فرض یک H_1 تأیید شد. یعنی میان میزان تحمل اجتماعی و تحصیلات رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. براساس نتایج، میزان تحمل اجتماعی در افرادی که در مقاطع تحصیلی بالاتر هستند، بیشتر است. براساس نظریه‌های نوسازی میزان بردباری در افراد تحصیل کرده بالاتر است.

سن

برای آزمون این فرضیه رابطه‌ای که مربوط به همبستگی میان سن مخاطبان و بردباری بود، از آزمون‌های پیرسون و رگرسیون استفاده شد. شدت و جهت رابطه میان متغیر وابسته (میزان تحمل اجتماعی) و متغیر مستقل (سن) برابر با 0/242 مثبت و در سطح معناداری کامل است. یعنی با افزایش سن، میزان تحمل اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. در واقع سن از عوامل تأثیرگذار بر میزان تحمل اجتماعی است. بنابه گفته میونگ، بردباری حساسیت و پذیرش تفاوت‌هاست. تفاوت در مقوله‌های اجتماعی مانند: مذهب، نژاد، جنسیت، طبقه، قومیت و همچنین سن. به نظر می‌رسد این نتیجه را نیز می‌توان ناشی از درک بیشتر افراد از تفاوت‌ها در سنین بالاتر نسبت به دوران جوانی است. میزان سازگاری، پذیرش و تحمل اجتماعی افراد در سنین بالا با توجه به تجارب اجتماعی بیشتر و کثرت و ناهمگونی بیشتر روابط و مشاهدات تجربه شده و همین طور محافظه‌کاری بیشتر، نسبت به سنین جوانی در سطح بالاتری است.

جنسیت

برای آزمون این فرضیه تفاوتی که مربوط به سنجش تفاوت سطح بردباری در میان مردان و زنان بود، از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد. با توجه به نتایج این آزمون سطح معناداری برای دو گروه (مردان و زنان) برابر 0/000 و کمتر از 0/05 است، می‌توان نتیجه گرفت که میان میزان تحمل اجتماعی مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین میانگین نمره سطح تحمل اجتماعی در میان زنان بالاتر از مردان می‌باشد. در تفسیر این نتیجه از منظر اجتماعی می‌توان میزان تحمل اجتماعی بالاتر زنان نسبت به مردان ساکن در شهر سراب را به ویژگی‌های مردسالارانه، تساهل و تابعیت بالاتر زنان، و میزان پایین اقتدارگرایی زنان در جوامع سنتی نسبت داد.

وضعیت تأهل

برای آزمون این فرضیه تفاوتی که مربوط به سنجش تفاوت سطح بردباری در میان افراد با وضعیت‌های مختلف تأهل بود، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. سطح معناداری (sig) برابر با 0/000 است که به علت بزرگ‌تر بودن عدد حاصله از 0/05 میان میزان تحمل اجتماعی این 3 گروه (1. مجرد 2. متأهل 3. سایر موارد) تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین نمره در میان افراد متأهل با اختلاف نه چندان زیاد بالاتر از افراد مجرد است. ازدواج به معنای پذیرش یک تفاوت می‌تواند در افزایش سطح تحمل اجتماعی مؤثر باشد. همچنین پذیرش مسئولیت و تعهد نقشی حاصل از ازدواج در افزایش تساهل، مدارا و تحمل اجتماعی مؤثر است. در حقیقت این موقعیت جدید نقشی است که رفتارهای جدیدی را ایجاد می‌کند، اما پایین بودن اختلاف میانگین این گروه‌ها در شهر سراب می‌تواند نشانه پایین بودن میزان تفاوت در میان زوجها باشد. ازدواج‌های تنظیم شده و فامیلی، همگونی بالای اجتماعی و به طور کلی ازدواج‌های درون قومی در کاهش میزان تفاوت‌های محتمل پس از ازدواج در میان زوجها مؤثر است.

در مجموع با مقایسه نتایج آزمون‌های فرضیات متغیرهای مستقل زمینه‌ای ملاحظه شد که پایین‌ترین میزان تحمل اجتماعی به افراد جوان با وضعیت اقتصادی و شغلی نامناسب تعلق دارد. همچنین براساس نتایج به دست آمده لازم به تأکید است که سهم عوامل و متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای نهادینه شده شخصیتی و هویتی در سطح تحمل اجتماعی بسیار پررنگ‌تر از سهم آن دسته از عوامل اجتماعی که در این پژوهش دارای ارتباط ضعیفی بودند. در واقع عوامل زیربنایی‌تر و ویژگی‌های قشر اجتماعی که بخشی از آن در متغیرهای زمینه‌ای مورد آزمون قرار گرفت، مؤثرتر از دیگر عوامل اجتماعی مورد بررسی هستند. در زیر جداول مربوط به آزمون فرضیه‌ها را مشاهده می‌کنید:

توضیح: آزمون‌های فرضیه‌های مختلف براساس نوع آزمون در قالب جداول خاص خود قرار گرفته شده‌اند.

جدول 4: فرضیاتی که با آزمون پیرسون بررسی شدند

شماره فرضیه	سطح معناداری Sig	شدت همبستگی (رابطه) (R)	ضریب تعیین R square	تعداد کل N
فرضیه 1	0/855	0/009	0/000	381
فرضیه 2	0/297	0/054	0/003	381
فرضیه 3	0/251	0/059	0/003	381
فرضیه 4	0/134	0/009	0/000	381
فرضیه 5	0/948	0/003	0/000	381

فرضیه 9	0/000	0/242	0/059	381
---------	-------	-------	-------	-----

جدول 5: فرضیاتی که با آزمون اسپیرمن بررسی شدند

شماره فرضیه	سطح معناداری Sig	شدت همبستگی (رابطه) R	تعداد کل N
فرضیه 7	0/085	0/088	381
فرضیه 8	0/001	0/166	381

جدول 6: فرضیاتی که با آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بررسی شدند

شماره فرضیه	سطح معناداری Sig	واریانس بین گروهی	واریانس درون گروهی	تعداد کل N
فرضیه 6	0/018	631/597	9980/912	381
فرضیه 11	0/000	799/679	11576/232	381

جدول 7: فرضیاتی که با آزمون t گروه‌های مستقل بررسی شدند

متغیر مستقل جنسیت	تعداد N	آزمون F	تست T (دو دامنه) Sig
مرد	239		0/000
زن	142	0/371	0/000

بحث و نتیجه‌گیری

1. با توجه به نقش پراهمیت ارتباطات و ناهمگونی اجتماعی در افزایش سطح تحمل اجتماعی، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید به گونه‌ای باشد که این شاخص‌ها در شهر سراب و شهرهایی با وضعیت مشابه ارتقا یابد، در حالی که براساس آمارها، شهرستان سراب در طی سالیان اخیر نه تنها مهاجرپذیر نبوده، بلکه از شهرستان‌های مهاجر فرست بوده است.

2. با توجه به نمره پایین سطح تحمل اجتماعی در میان دانشجویان شهر سراب، به نظر می‌رسد قوانین بومی‌گزینی استادان و دانشجویان، در این کارکرد منفی داشته و مانع برقراری تعاملات جدید شده و ناهمگونی ارتباطات را کاهش داده و در مقابل، به افزایش تعصبات قومی و جزم‌گرایی، کاهش سطح اعتماد و تضعیف خاص‌گرایی و فردگرایی و در نهایت سطح پایین تحمل اجتماعی شده است. بی‌تردید این امر باید توجه مسئولان را به بازنگری قوانین یاد شده جلب کند.

3. با توجه به این که جوانان با وضعیت شغلی نامناسب در شهر سراب، دارای پایین‌ترین سطح تحمل اجتماعی هستند، ضروری به نظر می‌رسد که، همهٔ مسئولان ذیربط با اجرای تدابیر لازم برای رفع مشکلات اقتصادی که از مهم‌ترین متغیرهای زمینه‌ای دخیل در سطح تحمل اجتماعی این قشر است، گام مؤثری بردارند تا از سقوط مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی و تضعیف شاخص‌های مؤثر در سطح تحمل اجتماعی پیشگیری شود. آمار بیکاران به ویژه بیکاران فصلی در شهرستان سراب نشان می‌دهد که این منطقه به صنعت (به خصوص صنایع تبدیلی با توجه به اقتصاد منطقه) نیاز جدی دارد. از این لحاظ شهرستان سراب از نقاط محروم استان و کشور است به طوری که تنها یک واحد کارخانه نساجی در شهرستان و تعداد انگشت‌شماری صنایع کوچک و متوسط در شهرستان فعالیت می‌کنند.

4. با توجه به نقش گسترش رسانه‌های جمعی در افزایش تحمل اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد که در رسانه ملی و همچنین رسانه استانی، با هدف معرفی فرهنگ اقوام ایرانی به یکدیگر، نقد فرهنگ خودی و برقراری تعاملات بیشتر میان افراد، برنامه‌سازی‌های مؤثر به خصوص در زمینه فیلم و سریال و مستند و نماهنگ در دستور کار قرار گیرد.

5. گسترش فضاهای عمومی، اماکن فرهنگی، ورزشی با برگزاری برنامه‌هایی برای افزایش تعاملات شهروندان با یکدیگر و نیز با دیگر اقوام و خرده فرهنگ‌ها، همچون برپایی نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی، در افزایش سرمایهٔ اجتماعی، آگاهی‌های عمومی و تعدیل جزم‌گرایی شهروندان مؤثر خواهد بود و به افزایش سطح تحمل اجتماعی آنان منجر می‌شود. نقش نهادهای فرهنگی و شهرداری در این مورد پررنگ به نظر می‌رسد.

6. افزایش جاذبه‌های گردشگری و تبلیغ مناسب در رسانه و در دیگر مناطق کشور برای جذب گردشگران موجب افزایش تحرک فیزیکی و ورود گردشگران به شهر می‌شود و همین امر افزایش سطح ناهمگونی فرهنگی حاکم بر شهر، افزایش تدریجی اعتماد اجتماعی و تعدیل جزم‌گرایی را در پی خواهد داشت.

7. با نهادهای فرهنگی بازنگری برخی از سنت‌ها، ترویج سبک زندگی و الگوهای پوشش جدید اما برگرفته از فرهنگ منطقه، جدای از جلوگیری از پذیرش فرهنگ بیگانه، می‌تواند قدرت پذیرش و تساهل با خرده فرهنگ‌های دیگر و سطح تحمل اجتماعی را افزایش دهند.

8. با توجه به نقش پررنگ‌تر متغیرهای زمینه‌ای و شاخص‌های قشر اجتماعی به نظر می‌رسد مؤثرترین راهکار در ارتقای سطح عمومی تحمل اجتماعی و همچنین سرمایهٔ اجتماعی، فرهنگ‌سازی و آموزش در دوره‌های اولیه اجتماعی شدن در خانواده و سپس در مدرسه است. که البته نقش رسانه‌ها در تولید برنامه‌های کودکان را نیز نباید نادیده گرفت.

منابع

فارسی

- بهشتی، ع. (1376). **تساهل و تسامح**. نامه فرهنگ، شماره 28. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران.
- چلبی، م. (1376). **تعهد کار**. نامه پژوهش، سال دوم، شماره 5. مرکز پژوهش‌های بنیادی معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- گودیکانست، ویلیام بی. (1383). **پیوند تفاوت‌ها**. ترجمه علی کریمی، مسعودهاشمی. مؤسسه مطالعات ملی، تهران.

انگلیسی

- Arthur S. R. (1985). **The Penguin dictionary of psychology**. Harmondsworth, Middlesex, England; New York, N. Y., U. S. A.: Viking.
- Mary McIntosh, Martha Abele Mac Iver, Daniel G. Abele, and Dina S. (1994). **Market Democracy in Central and East Europe, 1991-1993**, Slavic Review.
- Meli, S. (1993). **Rapport Mill-Kumitat ta' Xogjol Dwar Evalwazzjoni tas- Servizzi ta' Trattament fil-Qasam tad -Droga u Alcojol**. [Report of the Committee for work on evaluation of services on treatment in the field of drugs and alcohol]. Malta
- Sabini, J. (1995). **Social Psychology**. Norton & Company, Inc. New York.